

پہل حدیث از

(علیہ السلام)

امام حسن عسکری

الحمد لله
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
والآله الطيبين
الطاهرين







صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا حَسَنُ بْنُ الْعَسْكَرِ



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ اللَّهُ:

الْغَضَبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ

خشم، کلید هر بدی است.

(بحار الأنوار ۷۸ / ۳۷۳)

وقتی که به هوش آمدی، ای دل من
تا عرش خدا، بال زدی، ای دل من
بی تابی و خشم را رها کن، زیرا
خشم است کلید هر بدی، ای دل من



قُلْ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

التَّوَّاضِعُ نِعْمَةٌ لَا يُحْسَدُ عَلَيْهَا

فروتنی نعمتی است که بر آن حسد نبرند.

(تحف العقول / ۵۲۰)

با شرک، خدای را عبادت نکنند
دل، تیره چو گردید، زیارت نکنند
افتادگی از پاک‌ترین نعمت‌هاست
هرگز دگران بر آن حسادت نکنند

قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ عَلَيْهِ:

لَيْسَ مِنَ الْآدَبِ إِظْهَارُ الْفَرَحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ

شادمانی کردن در نزد غمدیده، دور از ادب است.

(تحف العقول / ۵۲۰)

آن دل که همیشه درد و ماتم دارد
از زخم، برای خویش مرهم دارد
دور از ادب است، شادمانی کردن
در نزد کسی که در دلش غم دارد



قُلْ لِحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مِنْ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ

از نشانه‌های تواضع، سلام کردن به هر رهگذر است.

(بحار الانوار / ۷۸ / ۳۷۲)

هر حادثه با فروتنی شیرین است
خاک از نفس باغچه، عطر آگین است
همواره سلام کن به هر ره‌گذری
افتادگی از نشانه‌هایش این است



قَالَ لِحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّ الْوُصُولَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ
لَا يُذْرِكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ

رسیدن به خداوند متعال، سیر و سفری است که جز با شب
زنده داری حاصل نگردد.

(مسند الامام العسکری / ۲۹۰)

بی نور عبادت، دل ما دل نشود
باران امید و شوق، نازل نشود
همواره رسیدن به خدا یک سفر است
آن جز به شبِ سجود، حاصل نشود



قَالَ لِحَسَنٍ لِعَسْكَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ:

جُرَاءُ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدَةٍ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو
إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ

فرزند خردسالی که به پدر گستاخی کند، چون بزرگ شد
عاق و ناسپاس او گردد.

(تحف العقول / ۵۲۰)

هر بچه که از کودکی خود بد شد
گستاخی او با پدرش بی حد شد
وقتی که بزرگ می شود، می بینی
آلوده ی نفرین پدر خواهد شد



قُلْ لِحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

إِيَّاكَ وَالْإِذَاعَةَ وَطَلَبَ الرَّئَاسَةِ فَإِنَّهُمَا
يَدْعُونَ إِلَى الْهَلَكَةِ

پرهیز از شهرت طلبی و ریاست خواهی، که این دو انسان را
به هلاکت و نابودی فرا می خواند.

(بحار الأنوار ۷۵ / ۳۷۲)

از محضر خویش، دور کن شیطان را
پیوند بزن به خالق خود جان را
پرهیز کن از مقام و شهرت طلبی
چون این دو هلاک می کند انسان را



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ عَلَيْهِ:

جَرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ وَادْفَعُوا عَنَّا

كُلَّ قَبِيحٍ

همه‌ی محبت‌ها را به سوی ما جلب کنید و همه‌ی زشتی‌ها را از
ما دور سازید.

(بحار الانوار / ۷۵ / ۳۷۳)

در لحظه‌ی خشم، خویشتن‌داری کن
با یاد ائمه، خویش را یاری کن
از دامن اهل بیت علیهم‌السلام، زشتی دور است
صد چشمه‌ی مهر، سویشان جاری کن

قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

مِنَ الْجَهْلِ الْضَّحْكَ مِنْ غَيْرِ عُجْبٍ

خنده‌ی بی جا، نشانه‌ی نادانی است.

(تحف العقول / ۵۱۷)

هر خنده‌ی بی جا، صفت شیطانی ست
در خانه‌ی دل، علامت ویرانی ست
پرهیز کن از خنده‌ی بی جا ای دوست
این قهقهه‌های پوچ، از نادانی اوست



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ إِنَّهُ

إِنَّ لِلَّهِ خَائِمْ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرَفٌ

بخشندگی، اندازه ای دارد که اگر از آن فراتر رود اسراف است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۷)

از لطف و کرم، باطن باران صاف است
آینه‌ی قلب آسمان شفاف است
بخشش روشی دارد، اگر از آن حد
یک ذره فراتر برود اسراف است



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَحُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ

صورت نیکو زیبایی ظاهر است و عقل نیکو زیبایی باطن.

(بحار الانوار / ۷۸ / ۳۷۹)

سیمای نکو، جمال ظاهر باشد
در معرض تهدید و مخاطر باشد
زیبایی باطن است اندیشه ی ناب
این منظره، جاودان مناظر باشد



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ لَبَّ:

مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةً تُدِلُّهُ

چه زشت است که مومن هوسی داشته باشد که او را خوار کند.

(کافی / ۲ / ۳۲۰)

مومن نظری اگر به دلدار کند
جان را زنسیم نور سرشار کند
زشت است که او داشته باشد هوسی
آن گونه که او را همه جا خوار کند



قُلْ لِّحَسَنِ لَّعَسْكَرِي ۝۱۱۱

قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ وَفَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ

اندیشه‌ی نادان، سرزبان‌ش هست و سخن حکیم در قلبش.

(بحار الانوار / ۷۸ / ۳۷۹)

اندیشه‌ی نادان، غم دنیا دارد
یعنی که سر زبان او جا دارد
اما سخن حکیم مانند امید
در قلب مبارکش تماشا دارد



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ لَئِيْلٌۭ

أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ

کوشاترین مردم کسی است که گناهان را واگذارد.

(تحف العقول / ۴۸۹)

آن کس که زلال کرده ایمانش را
سرشار ستاره کرده، دامانش را
کوشاتر از آن نیست در عالم - به یقین -
آن کس که رها کرده گناهانش را



فَلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ إِلَهُ:

لِلْحَزْمِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ جُبْنٌ

دور اندیشی را حد و اندازه ای است که اگر بیشتر شود ترس است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۷)

ای کاش که راه فکر، ممتد باشد
دایم جهتش به سوی مقصد باشد
اندازه‌ی ارتفاع دور اندیشی
ترس است، اگر بیشتر از حد باشد



فَلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ لَيْلٌ:

مَنْ رَكِبَ ظَهَرَ الْبَاطِلِ تَزَلَّ بِهِ دَارُ التَّدَلُّمَةِ

آن که بر پشت باطل سوار شود پشیمانی بر او فرود آید.

(بحارالانوار / ۷۸ / ۳۷۹)

ای کاش که ماه شوق، کامل گردد
حق، جاری در رگ مسایل گردد
در دام پشیمانی خود می افتد
آن کس که سوار اسب باطل گردد



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ٱللَّهُ:

صَدِيقُ الْجَاهِلِ فِي تَعَبٍ

همنشین نادان، گرفتار است.

(بحار الانوار / ۷۸ / ۳۷۴)

نادان سخنش همیشه بی عنوان است
چون باد، میان دشت سرگردان است
هم صحبت و همنشین او - بی تردید -
همواره گرفتار همان نادان است



قُلْ لِّخَيْرٍ لِّعَسْكَرِي لَيْلِي:

لَا يَعْرِفُ النُّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ وَلَا يَشْكُرُ
النُّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ

حق نعمت را نمی شناسد مگر انسان شاکر، و شکر گذار نعمت
نیست مگر عارف.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۸)

بگشای به شوق، دیده ی حکمت را
در شهر بین شکوه را، شوکت را
شاکر به حقیقتِ نعم آگاه است
عارف به سپاس دیده هر نعمت را



قُلْ لِّخَيْرٍ لِّعَسْكَرِي ۖ

كَفَاكَ اَدَبًا تَجَنَّبُكَ مَا تَكْرَهُ مِنْ غَيْرِكَ

از ادب همان بس که از آن چه از دیگران نمی پسندی دوری کنی.

(مسند الامام العسکری / ۲۸۸)

در جاده‌ی حق، زلال جان بس باشد
یک پرتو نور جاودان بس باشد
از آن چه نمی پسندی از خلق، اگر
دوری کنی، از ادب همان بس باشد



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ إِلَهٌ:

أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ

زاهدترین مردم کسی است که کارهای حرام را ترک کند.

(تحف العقول / ۴۸۹)

باشوقِ حلال، چهره پر لبخند است
موسیقی سبزِ قلب ها، پیوند است
هر کس که محرّمات را ترک کند
در قلّه ی سبز زُهدِ ارزشمند است



قُلْ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ لِلَّهِ:

أَعْبُدُ النَّاسَ مَنْ أَقَامَ عَلَى الْفَرَائِضِ

عابدترین مردم آن است که واجبات را به پا دارد.

(تحف العقول / ۴۸۹)

چشمان گل از اشک عبادت، تر شد
آهنگ دعا نصیب نیلوفر شد
آن کس که تمام واجبات خود را
انجام رساند، از همه عابدتر شد



قَالَ الْحَسَنُ لِعَسْكَرِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

مَنْ مَدَحَ غَيْرَ الْمُسْتَحِقِّ فَقَدْ قَامَ
مَقَامَ الْمُتَّهَمِ

هر کس انسان ناشایستی را مدح نماید خود را در جایگاه
تهمت قرار داده است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۸)

در بازی شعر، خویش را باخته است
با طبع خودش، به ظلم پرداخته است
هر شخص که مدح ناروایی را کرد
خود را به زبان تهمت انداخته است



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ لَئِيْلَةٌ

لِلْاِقْتِصَادِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بُخْلٌ

میانہ روی اندازہ دارد، کہ اگر از آن فراتر رود بخل است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۷)

باید کہ جهت بہ سمت بہتر برود
با حدّ وسط، کار بہ آخر برود
آزادی اعتدال، حدّی دارد
بخل است، اگر از آن فراتر برود



قُلْ لِّحَسَنِ لَّعَسْكَرِي لَئِيْلَهٗ:

خَيْرُ اِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ اِلَيْهِ

بهترین برادر تو کسی است که خطای تو نسبت به خود را فراموش کند.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۹)

گر بوسه زند روی شکوفای تو را
لبریز صفا کند سرا پای تو را
در چشم تو بهترین برادر باشد
از یاد برد هر که خطاهای تو را



قُلْ لِحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسِيَ ذَنْبَكَ وَذَكَرَ
إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ

بهترین دوستان کسی است که بدی تو را فراموش کرده و
خوبی‌ات را یادآور شود.

(اعلام الدین / ۳۱۳)

باید که جهان، جهان دیگر گردد
دل‌های همه، بهار-باور گردد
فرمود: کسی که بدی‌ات یادش رفت
از جمله‌ی دوستان تو سر گردد



قُلْ لِّصَنَدُ الْعَسْكَرِ لِلَّهِ

مَا مِنْ بَلِيَّةٍ إِلَّا وَلِلَّهِ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ
بِهَا

هیچ بلایی نیست مگر این که در پیرامونش از طرف خدا نعمتی
است.

(بحار الانوار / ۷۸ / ۳۷۴)

هر گونه بلا به امر و نیروی خداست
در قلب حوادث، همه جا بوی خداست
هر جا که روی هیچ بلا نیست، مگر
در حاشیه اش، نعمتی از سوی خداست

قُلْ الْحَسَنُ لِعَسْكَرِي ۖ إِنَّ اللَّهَ

لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ
وَأِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ

عبادت، زیاد روزه گرفتن و زیاد نماز خواندن نیست. عبادت،
زیاد اندیشه کردن در امر خداست.

(تحف العقول / ۵۱۸)

هر چند نماز و روزه را پیشه کنید
در عمق سجود و سادگی ریشه کنید
این نیست عبادت و عبادت این است
در امر خدا زیاد اندیشه کنید



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ أَهْلًا:

آوَرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبُهَاتِ

پارساترین مردم کسی است که در کار شبهه ناک، توقف کند.

(تحف العقول / ۴۸۹)

در عرصه ی زندگانی رنگ به رنگ
کامیخته ی هم شده آینه و سنگ
فرمود که: پارساترین ها هستند
آنان که به کار شبهه دارند درنگ



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَذِكْرَ الْمَوْتِ وَتِلَاوَةَ
الْقُرْآنِ وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ

بسیار به یاد خدا و بسیار به یاد مرگ باشید. بسیار قرآن تلاوت نمایید.
و به پیامبر صلوات و درود بفرستید که همانا درود بر پیامبر معادل ده
نیکی است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۲)

بسیار به یاد مرگ و خالق باشید
خواننده‌ی آیه‌ی حقایق باشید
ذکر صلوات، هم چنان ده نیکیست
با گفتن آن همیشه عاشق باشید

قُلْ لِّحَسَنِ لَّعَسْكَرِي ۖ

مَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَلِلَّهِ أَنْعَمُهُ وَمَنْ وُقِيَ
شَرًّا فَلِلَّهِ وَقَاهُ

هر که را خیری نصیب شد خداوند نصیبش کرده است و هر
که از شری محافظت شد، خدایش حفظ نموده است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۷۴)

هر کس که دلش زخیر انباشته است
آن خیر، خدا در دل او کاشته است
هر کس که محافظت شد از شر، او را
— شک نیست — خداوند نگه داشته است

قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ ۖ
الْإِيمَانُ بِاللَّهِ
وَتَفَعُّ الْإِخْوَانِ

دو صفت هست که بالاتر از آن‌ها چیزی نیست:
۱- ایمان به خدا ۲- سود رسانی به برادران دینی

(تحف العقول / ۵۲۰)

«ایمان به خدا» لذت ناچیزی نیست
با نور خدا، غروب و پاییزی نیست
دایم «به برادران خود سود رسان»
بالاتر از این دو ویژگی چیزی نیست



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

رِيَاضَةُ الْجَاهِلِ وَرَدُّ الْمُعْتَادِ عَنْ عَادَتِهِ كَالْمُعْجِزِ

پرورش دادن نادان و ترک دادن معتاد از عادتش، معجزه آمیز است.

(تحف العقول / ۵۲۰)

نادان دلش از جهل و جنون لبریز است
پروردن او سخت و شگفت انگیز است
آن گونه که ترک دادن هر معتاد
از عادت خویش، معجزه آمیز است



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا زِينًا وَلَا تَكُونُوا شَيْنًا

از خدا بترسید و مایه‌ی زینت باشید نه زشتی.

(تحف العقول / ۴۸۸)

در سوره‌ی گل، آیه‌ی زینت باشید
هم صحبت و همسایه‌ی زینت باشید
هر ثانیه از خدا بترسید و مدام
زشتی نه، فقط مایه‌ی زینت باشید



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بَهَاوُكَ وَلَا تُمَارِ
فَيُجْتَزَّ أَعْلَيْكَ

مجادله نکن که ارجمندی ات از میان می رود و از شوخی
بر حذر باش که بر تو جسور می شوند.

(تحف العقول / ۴۸۶)

پرخاشگری مکن چنان طوفانها
گم می شود ارجمندی ات در جانها
از شوخی تلخ بر حذر باش ای دوست
چون بر تو جسور می شوند انسانها



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ لَئِيْلٌ

جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهُ الْكَذِبَ

همه ی پلیدی ها در یک خانه نهاده شده و کلید آن دروغ قرار داده شده است.

(بحار الأنوار / ۷۵ / ۳۷۸)

در ذهن فریب، زندگی افسانه است
خاکستر گل، نصیب هر پروانه است
مفتاح تمامی بدی هاست، دروغ
زیرا که پلیدی همه در یک خانه است



قُلْ لِّحَسَنِ لَّعَسْكَرِي ۖ

أَضْعَفُ الْأَعْدَاءِ كَيْدًا مِّنْ أَظْهَرَ عَدَاوَتِهِ

ناتوان ترین دشمنان کسی است که دشمنی اش را آشکار نماید.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۹)

چون روح مچاله‌ای، اسیر تن شد
صد شعله میان باور خرمن شد
آن کس که عداوت خودش فاش نمود
بین همه، ناتوان ترین دشمن شد



قَدْ لَحَسَنَ لِعَسْكَرِي ۱۰

لِلشَّجَاعَةِ مِقْدَارًا فَإِنْ زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ تَهَوُّرٌ

همانا شجاعت، اندازه دارد که اگر از آن فراتر رود گستاخی است.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۷)

لبخند شجاعت، گل زیبای لب است
آمیزه‌ای از تابش خورشید شب است
اما اگر افزوده شود از حدش
یاد آور گستاخی و دور از ادب است



قُلْ لِحَسَنِ الْعَسْكَرِ لِلَّهِ:

مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَذَخْنُ أَهْلُهُ وَمَا
قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ

هر آن چه در باره ی ما اهل بیت از نیکی ها گفته می شود ما سزاوار آنیم و
هر آن چه بدی در باره ی ما گفته می شود ما آن گونه نیستیم.

(بحار الانوار / ۷۵ / ۳۷۳)

با نور ائمه آسمان پر نور است
آهنگ زمانه تا ابد پر شور است
شایسته هر چه خیر و نیکی هستند
از دامنشان، بدی و زشتی دور است



قَالَ لَحَسَنٌ لِعَسْكَرِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

الْأَشْرَاكُ فِي النَّاسِ أَخْفَى مِنْ دَبِيبِ النَّمْلِ
عَلَى الْمَسْحِ الْأَسْوَدِ فِي اللَّيْلِ الْمُظْلِمَةِ

شرک در میان مردم از جنبش مورچه بر روپوش سیاه در شب
تار نهان تر است.

(تحف العقول / ۵۱۷)

کاشانه‌ی مشرک است، ویرانه‌ی شرک
افسون منافق است، افسانه‌ی شرک
چون مورچه بر سنگ سیاه، در شب تار
مخفی است میان قلب‌ها، خانه‌ی شرک



قُلْ لِّحَسَنِ الْعَسْكَرِ ۖ

لَا تُكْرِمِ الرَّجُلَ بِمَا يَشُقُّ عَلَيْهِ

هیچ کس را به گونه‌ای احترام نکن که او به زحمت افتد.

(بحار الأنوار / ۷۸ / ۳۷۴)

باید که ریا به چنگ آفت افتد
پاکی، هوسش در رگ غیرت افتد
حرمت نگذار هیچ کس را هرگز
آن گونه که آن شخص، به زحمت افتد